طوفان الاقصی؛ از زوال پروژه صهیونیستی تا راهبرد پیروزی و آینده مقاومت

خوانشی راهبردی، قرآنی از پیامدهای ۷ اکتبر،

آینده مقاومت و ۶۳ فرمان الهی در نبرد با صهیونیسم جهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فصل اول: طوفان‌الاقصی و زوال یک پروژه استعماری ۲

بخش اول: پیامدهای استراتژیک ۳

بخش دوم: پیامدهای منطقه‌ای عملیات طوفان‌الاقصی ۳

بخش سوم: افول اسرائیل و صهیونیسم در دوران پسا طوفان‌الاقصی ۸

بخش چهارم: تحلیل الهی و راهبری معرفتی ولی‌الهی: تدوین استراتژی پیروزی در شرایط خاص زمانه ... ۱۱

فصل دوم: آینده مقاومت در دوران پسا طوفان الاقصی ۱۳

بخش اول: آینده مقاومت؛ از تثبیت قدرت تا تحمیل معادلات جدید بر دشمن ۱۴

بخش دوم: محور مقاومت؛ از همبستگی تاکتیکی به هم‌افزایی راهبردی ۱۵

بخش سوم: استراتژی های قرآنی در مواجهه با رژیم صهیونیستی ۱۷

پیشنهاد دو راهبرد تصریحی برگرفته از دو واژه "لینه –نرمی" و "غلظت–سختی–خشونت ۱۸

۱. آیات سوره حشر و واژه "لینه" و روش جالب پیامبر در جنگ با قلعه یهودیان بنی نضیر: ۱۸

۲. استراتژی قرآنی "غلظت شدید"و "ضربات مستمر و موثر": ۲۰

فصل سوم: ۷اکتبر و خوانش ۶۳ فرمان الهی، ۱۳۰ آیه قرآن در نبرد با صهیونیسم جهانی ۲۱

حقایق جنایات و شکست های دشمن را «کتمان» نکنید ۲۲

فصل اول:

طوفان‌الاقصی و زوال یک پروژه استعماری

در سحرگاه هفتم اکتبر ۲۰۲۳، جهان شاهد واقعه‌ای بود که صفحات تاریخ مبارزات فلسطین را با خون و آتش بازنویسی کرد. عملیات طوفان‌الاقصی نه تنها یک نبرد نظامی، بلکه یک رخداد سرنوشت‌ساز ژئوپلیتیکی بود که تمامی محاسبات راهبردی دشمنان مقاومت را به چالش کشید. این عملیات، برخلاف تمامی انتظارات، به شکل ضربتی و برق‌آسا قلب استحکامات رژیم صهیونیستی را درهم شکست و نشان داد که دیوار آهنین افسانه‌ای بیش نیست. بنا به تحلیل رسانه‌ها و تحلیلگران سیاسی و نظامی این عملیات بیرحمانه-ترین ضربه حیثیتی را بر رژیم اشغالگر وارد ساخت. منطقه‌ای که سال‌ها با گنبدهای آهنین و سامانه‌های پیچیده امنیتی، به عنوان غیرقابل نفوذترین نقطه در جغرافیای اشغالی شناخته می‌شد، در کمتر از چند ساعت به جولانگاه نیروهای مقاومت تبدیل شد. سربازان مسلح فلسطینی، با اراده‌ای پولادین و در عملیاتی هماهنگ، بیش از پنجاه شهرک صهیونیستی را درنوردیدند، پایگاه‌های نظامی را به تصرف درآوردند و هزاران صهیونیست را به اسارت گرفتند. این شکست آنچنان ویرانگر بود که حتی رهبران تلآویو نیز برای نخستین بار در تاریخ اشغال، اذعان کردند که کنترل اوضاع از دستشان خارج شده است. از این رو می‌توان اذعان کرد که طوفان‌الاقصی نه تنها یک عملیات نظامی، بلکه یک اعلان تغییر موازنه قدرت در منطقه بود. این رخداد ثابت کرد که گروه‌های مقاومت فلسطینی، دیگر نه صرفاً جنبش‌های محلی پراکنده، بلکه بازیگرانی مؤثر در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه هستند. پیامدهای این عملیات، نه تنها بر رژیم اشغالگر بلکه بر محور مقاومت در سراسر جهان اسلام و معادلات کلان بین‌المللی تأثیرات عمیقی گذاشت؛

۱) **احیای روحیه جهاد و مقاومت**: این عملیات، امید را در میان تمامی ملتهای تحت ظلم زنده کرد و نشان داد که اراده پولادین بر زرادخانه‌های آهنین غلبه خواهد کرد.

۲) **سقوط اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش اسرائیل:** برای دهه‌ها، صهیونیست‌ها خود را دارای قدرتمندترین ارتش منطقه می‌دانستند، اما طوفان‌الاقصی ثابت کرد که این رژیم از درون پوسیده و شکننده‌تر از آن است که تصور می‌شد.

۳) **آغاز تغییر در نظم جهانی**: این حمله به عنوان نخستین ضربه کاری به نظام جهانیِ سلطه‌محور، نشان داد که دوره برتری بلامنازع غرب و رژیمه‌ای دست نشانده به پایان رسیده و جنبش‌های مردمی می‌توانند در برابر هژمونی استکبار جهانی قد علم کنند.

بخش اول: پیامدهای استراتژیک

۱. شکاف داخلی و بحران هویتی در اسرائیل

عملیات طوفان‌الاقصی، عمیق‌ترین شکاف سیاسی و اجتماعی را در تاریخ اسرائیل رقم زد. بحران امنیتی و بی‌اعتمادی عمومی به ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی، رژیم را در آستانه فروپاشی درونی قرار داده است. از طرفی، موج مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها به وضوح نشان داد که بسیاری از اشغال‌گران، دیگر سرزمین‌های اشغالی را جای امنی برای زندگی نمی‌بینند.

۲. شکست پروژه عادیسازی روابط با اعراب

یکی از مهمترین تبعات این عملیات، نابودی پروژه عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی بود. کشورهایی که در حال نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی بودند، زیر فشار افکار عمومی و خشم ملت‌های خود، مجبور به عقب نشینی شدند. خیابانهای پایتخت‌های عربی، صحنه تظاهرات گسترده علیه رژیم اشغالگر شد و معادله خیانت به فلسطین را تغییر داد.

۳. افول قدرت بازدارندگی آمریکا

واشنگتن، که همواره نقش حامی بلامنازع اسرائیل را بازی می‌کرد، در برابر این حمله خلع سلاح شد. واکنش آمریکا، جز تهدیدهای توخالی و اعزام ناوهای جنگی، چیز دیگری نبود؛ اما حتی این اقدامات نیز نتوانست جایگاه متزلزل رژیم صهیونیستی را در میان حامیانش مستحکم کند. طوفان‌الاقصی نشان داد که قدرت آمریکا در مدیریت بحرانهای جهانی رو به زوال است.

بخش دوم: پیامدهای منطقه‌ای عملیات طوفان‌الاقصی

عملیات طوفان‌الاقصی نه تنها یک رویداد نظامی، بلکه نقطه عطفی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بود که تمامی موازنه‌های قدرت را به چالش کشید. این عملیات، بنیان‌های امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی را متزلزل کرد، آرایش نیروهای مقاومت را دگرگون ساخت و واکنش‌های متعددی در سطح منطقه و جهان برانگیخت.

با نگاه به تحولات مربوط به عملیات طوفان‌الاقصی، پیامدها و نتایج آن را می‌توان در چهار سطح درون فلسطینی، اسرائیلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورتبندی کرد.

الف) سطح درون اسرائیلی

- منظومه بازدارندگی نظامی اسراییل فروپاشید و رژیم صهیونیستی ناچار شد برای بازسازی و اعاده بازدارندگی، تا سر حد جنون از امکانات و تجهیزات نظامی خود در جنگ غزه استفاده کند.
- ابعاد بزرگ عملیات ۷ اکتبر، به احساس فقدان امنیت در جامعه شهرکنشینِ اسراییل به شدت دامن زد و بار دیگر این جامعه را در برابر پرسشهای موجودیتی (بودن یا نبودن) قرار داد.
- افسانه شکست‌ناپذیری ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسراییل و همه تصویرسازی‌ها و عملیات روانی و مغزشویی انجام شده در بلندای دهه‌های گذشته در این چارچوب فروپاشید.
- دالّ و مدعای مرکزی گفتمان راست حاکم اسراییل در دو دهه گذشته را مبنی بر اینکه مساله و مشکل‌های به نام فلسطین تمام شده است، به کلّی باطل کرد.
- اتحاد جامعه صهیونیستی را در شرایط بحران و جنگ، به ناچار تقویت کرد. اما این تنها بازتاب دهنده لایه نخست واقعیت است. در لایه‌های زیرین، بستر تشدید درگیری‌ها و اختلاف‌ها و تعمیق شکاف‌های فعال شده در پیش از ۷ اکتبر را بلافاصله پس از پایان جنگ غزه فراهم کرد.
- نتانیاهو را در برابر سخت‌ترین آزمون دوران سیاست‌ورزی خود قرار داد و به احتمال بسیار بالا جنگ غزه را به واپسین ایستگاه سیاست‌ورزی درجه یک نتانیاهو تبدیل کرد.
- گفتمان تند و ضد فلسطینی ائتلاف راست افراطی حاکم بر اسراییل را در پرتو ضرورت‌های جنگ تقویت کرد، اما در لایه دوم تحولات، فرصت تضعیف موقعیت سیاستورزی و برآمدن دوباره جریان راست میانه اسراییل را فراهم کرد.
- نگاه موجودیتی صهیونیسم/ جنبش صهیونیستی، به ویژه جریان راست آن را نسبت به منازعه با فلسطینیها بیش از پیش آشکار و تقویت کرد.

ب) سطح فلسطینی

- خودباوری و امکان داشتن ابتکار عمل و تاثیرگذاری ملت و مقاومت فلسطین را به شکلی استثنایی و کم نظیر در تاریخ رویارویی با اشغال صهیونیستی تقویت کرد.
- محبوبیت مردمی جنبش مقاومت اسلامی – حماس را در میان فلسطینیان آواره در وطن (سرزمینهای اشغالی ۱۹۶۷ – کرانه باختری و نوار غزه) و همچنین فلسطینیانِ آواره از وطن، به شدت ارتقا و این جنبش را در موقعیت پیشتاز و در صدر راهبری ملت و مقاومت فلسطین قرار داد.

- موقعیت جنبش جهاد اسلامی فلسطین را به عنوان دومین جنبش جهادی موثر در صحنه فلسطین تثبیت و روابط همبستگی و همراهی این جنبش را با جنبش حماس، بیش از پیش استوار کرد.
- نهاد خودگردانی فلسطینی و ریاست آن را در برابر یکی از سختترین آزمونهای عمر خود قرار داد و عدم محبوبیت و تاثیرگذاری آن را در افکار عمومی فلسطینی و در روند تحولات سرزمینهای اشغالی بیش از پیش آشکار کرد.
- جنبش آزادیبخش ملی فلسطین – فتح، پیشتاز مبارزات ملت فلسطین تا پیش از توافق اسلو، در برابر آزمون جدیدی قرار گرفت و با تضعیف بیشتر رهبری رسمی این جنبش، یکبار دیگر زمینه برای ارتقای نقشآفرینی نسل جدید و برخی چهرههای برجسته زندانی یا اخراجی آن فراهم شد.
- نقش مسیحیان فلسطینی در کنار مسلمانان فلسطینی و همچنین نقش برخی گروههای تاریخی چپگرای فلسطینی به ویژه جبهه خلق برای آزادی فلسطین در همبستگی و همراهی با دو جنبش اسلامی مقاومت (حماس و جهاد) تعمیق و مساله ملی فلسطین و ملی بودن مبارزات فلسطینیان در برابر اشغال صهیونیستی تثبیت شد.
- پایبندی مردم غزه به سرزمین خود و عدم تسلیم آنها در برابر سیاست زمین سوخته و کوچ اجباری فلسطینیها تفاوت این نسل با نسلهای مرحله آغازین اشغال و نکبت فلسطین را آشکارتر از پیش کرد.

ج) سطح منطقهای

- اهمیت مساله فلسطین در روندهای منطقهای و ضرورت تحقق آرمان حداقلی ملت فلسطین به عنوان پیشنیاز هر روند و تحول جدیدی تثبیت و عدم امکان عبور از آن و پیشبرد یکجانبه ایدههای مبتنی بر عادیسازی مشخص شد.
- تاثیرگذاری ایران و مجموعه مقاومت، بیش از پیش آشکار و مشخص شد از روندهای منطقهای قابل حذف نیست. به عبارت دیگر روشن شد، بدون همراهی ایران و مجموعه مقاومت هیچ روندی در منطقه نمیتواند از عنصر تداوم و تثبیت برخوردار شود.
- مفهوم و ماهیت و سطح هماهنگی و همراهی موجود میان ایران و مجموعه مقاومت، در برابر نوعی محک و آزمون قرار گرفت و ابعاد واقعی آن در یک تجربه عینی بزرگ روشنتر شد.
- روند عادیسازی روابط عربستان و کشورهای عربی و اسلامی با اسراییل دچار ایست شد. البته این ایست، موقت بوده و تداوم آن منوط به روند تحولات بعدی به ویژه نتایج نهایی جنگ غزه است.

- نقش قطر به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای میانجی که از قدرت ارتباطی همزمان با هر دو سوی جنگ غزه برخوردار است، به طور نسبی تقویت شد.
- نقش شبکه ماهوارهای الجزیره به عنوان یک رسانه درجه یک تاثیرگذار در افکار عمومی تثبیت و تعمیق شد که بر رسانه های جریانِ غالب رسانه ای غربی و بین‌المللی غلبه دارد.
- نقش آفرینی منطقه‌ای ترکیه به دلیل عدم پذیرشِ بازی میانه از سوی این کشور (با توجه به اندازه و بزرگی قدرت ترکیه در مقایسه با بازیگری چون قطر)، نه تنها تقویت نشد، بلکه تا اندازهای تضعیف و روابط آن با هر دو سوی جنگ غزه در محک و آزمون جدید قرار گرفت. در عین حال، ظرفیت های مردمی و نقش جامعه مدنی ترکیه در حمایت از فلسطین، آشکار و ضرورت تقویت جامعه مدنی و استفاده از ظرفیت های گسترده آن را در چارچوب سیاست های ملی ایران در هر دو حوزه داخلی و خارجی، به روشنی نشان داد.
- شکاف تاریخی موجود میان دولت ها و ملت های عرب، تعمیق و بار دیگر فاصله فاحش میان افکار عمومی عربی و سیاست دولت هایشان آشکار شد.
- آتشفشان خاموش توده های عرب، دوباره روشن شد و گرمای آتش خشمِ پنهان در درون جوامع عربی به آنچنان درجات بالایی رسید که به ضرورت، همچون تحولات ۲۰۱۱ منطقه و انقلاب های عربی، دیر یا زود از عمق به سطح خواهد آمد (دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد).
- یمن، با نقش آفرینی ویژه انصارالله و صنعا برای نخستین بار در تاریخ منازعه فلسطین، به بازیگری خاورمیانه‌ای تبدیل شد. محبوبیت مردمی انصارالله در یمن و در جهان اسلام به طور نسبی تقویت و تصویرسازی‌های جریان غالب رسانه‌ای و نظام رسمی عربی به نمایندگی عربستان (و امارات) علیه این جنبش با چالش‌ها و پرسش‌های جدی روبه رو شد.
- نقش‌آفرینی جنبش‌های شیعی لبنان، یمن و عراق در حمایت عملی از غزه، آنها را به بارزترین نیروهای زنده امت اسلامی تبدیل و مفهوم کانونی تصویرسازی‌های یکجانبه مبتنی بر طایفه‌گری و عملیات روانی جریان غالب رسانه‌ای و نظام رسمی عربی علیه ایران و متحدان آن را با چالش نسبی در افکار عمومی عربی و اسلامی روبه رو کرد.
- شرایط مناسب‌تری برای پیشبرد سیاستگذار از قدرت به قدرت مشروع یا اقتدار (به رسمیت شناخته شده از سوی بازیگران رقیب)، به عنوان یک ضرورت حیاتی برای برخوردار کردن نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران از ویژگی تثبیت و تداوم فراهم شد.

د) سطح بین‌المللی

- اشغال فلسطین توسط جنبش صهیونیستی و حل نشدن مساله ملی فلسطین را بار دیگر به مساله نخست افکار عمومی جهان تبدیل کرد و با توجه به نتایج عملی خود، به ناچار در دستور کار قدرتهای جهانی و سیاست بین‌الملل قرار داد.
- همه تصویرسازی‌های مثبت ساخته و پرداخته شده از اسراییل را در چارچوبِ دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی و قدرت‌های حامی آن در دوران معروف به صلح مادرید و اسلو، ویران و چهره واقعی و مبتنی بر اشغال، جنایت و نسل‌کشی جنبش صهیونیستی و تروریسم دولتی و نهادینه اسراییل را برای جهانیان آشکار کرد.
- افکار عمومی جهانی را به صورت کم سابقه‌ای در حمایت از ملت فلسطین و حق این ملت برای رهایی از اشغال بسیج کرد. تا آنجا که برخی دانشمندان شناخته شده علوم سیاسی همچون مرشایمر، ۹۵درصد افکار عمومی جهان را در حال حاضر علیه اسراییل و حامی فلسطین‌یها دانسته‌اند.
- واقعیت سیاست چند استانداردی، ستمگرانه و وحشیانه امریکا و غرب و دروغین و فریبکارانه بودنِ شعارهای دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر آن را آشکار کرد و به بسیاری از تردیدها و پرسش‌ها در این زمینه در میان توده‌ها و نخبگان ایران و جهان پایان داد.
- توجه حداقل اعلامی امریکا و دیگر قدرت‌های جهانی را به مساله فراموش شده صلح و راه‌حل دودولتی و ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی بازگرداند. این توجه اگر بخواهد از مرحله حرف و شعار به مرحله عمل برسد، با موانع مختلف، به ویژه مانع ساختاری و واقعی ترکیب اجتماعی جامعه اسراییل و ذات مبتنی بر اشغال و نفی موجودیتِ طرف فلسطینی از سوی جنبش صهیونیستی و موسسه حاکم اسراییل روبه‌رو خواهد شد. همانگونه که در تجربه روند مادرید و توافقات اسلو مشاهده شد.
- شکاف‌ها میان امریکا و اسراییل را در پرتو شرایط جنگ به ناچار تضعیف کرد، اما در لایه درونی‌تر تحولات، به این شکاف‌ها به ویژه با گفتمان راست افراطی حاکم اسراییل دامن زد. امری که به تلاش‌های امریکا و غرب برای تغییر ترکیب حکومتی در اسراییل و تقویت جریان به اصطلاح راست میانه و سکولار و تضعیف راست مذهبی و تندروتر دامن خواهد زد.
- شرایط بیرونی جنگ اوکراین را تغییر داد و با کاهش تمرکز امریکا و اروپا بر این منازعه و انتقال بخش مهمی از توجه و ثقل سیاسی و راهبردی آنها به سوی بحران فلسطین، وضعیت روسیه را در این جنگ، حداقل به طور موقت دچار تحول مثبت کرد.

- ناکارآمدی و فشل بودن سازمان ملل متحد در برابر سیاست نسل‌کشی و کشتار جمعی اسراییل و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی از سوی این رژیم را آشکارتر از همیشه کرد و به بحث‌های قبلی در زمینه نیاز به تجدیدنظر در ساز و کارهای سازمان ملل دامن زد[۱].

بخش سوم: افول اسرائیل و صهیونیسم در دوران پسا طوفان‌الاقصی

طوفان الاقصی، نه‌تنها یک ضربه نظامی، بلکه نقطه عطفی در مسیر افول تدریجی رژیم صهیونیستی و شکست پروژه صهیونیسم در منطقه بود. این عملیات، تمامی بنیان‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی اسرائیل را در هم شکست و نشان داد که این رژیم بیش از هر زمان دیگری در مسیر زوال و فروپاشی قرار گرفته است. آنچه پس از این رخداد مشاهده می‌شود، نه صرفاً یک بحران مقطعی، بلکه آغاز مرحله‌ای است که می‌توان آن را دوران پسا اسرائیل نامید؛ مرحله‌ای که در آن، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیسم، امنیت ساختگی گنبد آهنین، و هژمونی این رژیم بر منطقه، یک‌به‌یک فرو می‌ریزند.

۱. فروپاشی امنیتی و پایان افسانه شکست‌ناپذیری

یکی از مهم‌ترین ستون‌های بقای اسرائیل، قدرت بازدارندگی و توان امنیتی آن بود؛ اما طوفان الاقصی، این ستون را در هم شکست.

- برای نخستین بار در تاریخ، نیروهای مقاومت موفق شدند خطوط دفاعی اسرائیل را بشکنند، مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورند و ارتش صهیونیستی را در زمین خود به چالش بکشند.
- ناتوانی سرویس‌های اطلاعاتی موساد و شین بت در پیش‌بینی این عملیات، نشان داد که توان جاسوسی و امنیتی این رژیم به‌شدت دچار فرسایش شده است.
- از این پس، هیچ نقطه‌ای در سرزمین‌های اشغالی امن نخواهد بود .عملیات‌های آتی دیگر محدود به مناطق مرزی یا جنوب فلسطین اشغالی نخواهند بود، بلکه تل‌آویو، حیفا و دیگر مراکز حساس نیز هدف‌پذیر خواهند شد.

۲. فروپاشی اجتماعی و تشدید مهاجرت معکوس

پس از طوفان الاقصی، مهاجرت معکوس از سرزمین‌های اشغالی به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های افول اسرائیل تبدیل شد.

- صهیونیست‌هایی که روزگاری با وعده «سرزمین امن» به فلسطین اشغالی آورده شده بودند، امروز با واقعیتی روبه‌رو هستند که چیزی جز ناامنی، ترس و بی‌ثباتی برای آن‌ها ندارد.
- گزارش‌ها نشان می‌دهد که موج جدیدی از مهاجرت معکوس به اروپا و آمریکا آغاز شده و بسیاری از شهرک‌نشینان، آینده‌ای برای ماندن در این سرزمین نمی‌بینند.
- این روند، ماهیت دموگرافیک اسرائیل را دچار بحران خواهد کرد، چرا که جمعیت عربی و فلسطینی، با نرخ رشد بالاتر، در حال تبدیل شدن به اکثریت جمعیتی در مناطق اشغالی هستند.

۳. تشدید شکاف‌های داخلی و بحران هویت رژیم صهیونیستی

رژیم اسرائیل از درون، دچار انشقاق و تضادهای ساختاری شدیدی شده است که پس از طوفان الاقصی، به اوج خود رسیده‌اند.

- تقابل میان جناح‌های سیاسی اسرائیل، ازجمله شکاف میان جناح راست افراطی و لیبرال‌های سکولار، به بحران عمیقی تبدیل شده که کابینه نتانیاهو را در آستانه سقوط قرار داده است.
- اختلاف میان ارتش، سازمان‌های اطلاعاتی و دولت به وضوح نمایان شد و بی‌اعتمادی گسترده‌ای در میان شهرک‌نشینان نسبت به حاکمیت شکل گرفت.
- از همه مهم‌تر، بحران هویت میان شهرک‌نشینان و نسل جدید اسرائیلی‌ها که دیگر تعلق خاطری به پروژه صهیونیسم ندارند و آن را یک طرح شکست‌خورده می‌دانند.

۴. شکست پروژه عادی‌سازی و انزوای بین‌المللی اسرائیل

طوفان الاقصی، تمامی معادلات عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی را به هم ریخت و رژیم صهیونیستی را بیش از هر زمان دیگری منزوی ساخت.

- کشورهایی که در مسیر سازش با تل‌آویو حرکت می‌کردند، با فشار افکار عمومی مجبور به عقب‌نشینی شدند .خیابان‌های پایتخت‌های عربی، صحنه تظاهرات ضد اسرائیلی گسترده شد.
- روابط راهبردی اسرائیل با متحدان غربی‌اش، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، دچار بحران جدی شده است .واشنگتن که همواره خود را متعهد به امنیت اسرائیل می‌دانست، امروز بیش از هر زمان دیگری، نسبت به تأمین هزینه‌های گزاف این رژیم، دچار تردید شده است.

- شکست اسرائیل در برابر مقاومت فلسطین، حتی در میان رسانه‌های غربی و نهادهای بین‌المللی نیز به‌وضوح مطرح شد و بسیاری از گروه‌های حقوق بشری، تل‌آویو را به جنایت جنگی و نسل‌کشی محکوم کردند.

۵. محور مقاومت در مسیر پیروزی نهایی

شکست اسرائیل در طوفان الاقصی، نقطه آغازی بر روند پیروزی‌های گسترده‌تر محور مقاومت در منطقه است.

- گروه‌های مقاومت فلسطینی، امروز با اعتمادبه‌نفس بیشتر و قدرت نظامی ارتقا یافته، در حال برنامه‌ریزی برای مراحل بعدی مبارزه هستند.
- در سطح منطقه‌ای، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت عراق، انصارالله یمن و سایر بازیگران محور مقاومت، بیش از هر زمان دیگری، مصمم به ادامه نبرد هستند.
- از این پس، هرگونه درگیری جدید، نه‌تنها در سرزمین‌های اشغالی، بلکه در تمامی نقاطی که رژیم صهیونیستی در آن منافع دارد، گسترش خواهد یافت.
- طوفان الاقصی، بیش از یک عملیات نظامی، یک نقطه عطف تاریخی بود .این عملیات، به جهان ثابت کرد که اسرائیل نه‌تنها شکست‌پذیر است، بلکه روند زوال آن شتاب گرفته و توقف‌ناپذیر است.
- افول امنیتی، شکاف اجتماعی، فروپاشی سیاسی و انزوای بین‌المللی، همه و همه نشان می‌دهند که این رژیم، دیگر آن قدرت بلامنازع سابق نیست.
- سرزمین اشغالی، دیگر برای صهیونیست‌ها امن نخواهد بود و مهاجرت معکوس، اسرائیل را در مسیر فروپاشی قرار داده است.
- محور مقاومت، بیش از هر زمان دیگری، به پیروزی نهایی نزدیک شده است و دوران جدیدی از معادلات منطقه‌ای آغاز شده که در آن، فلسطین آزاد خواهد شد.

از این پس، هر نبردی که رخ دهد، یک گام دیگر به پایان اسرائیل و زوال صهیونیسم جهانی نزدیک‌تر خواهد بود. آنچه روزگاری به‌عنوان رویای اسرائیل معرفی می‌شد، امروز در کابوس فروپاشی غرق شده است.

بخش چهارم: تحلیل الهی و راهبری معرفتی ولی‌الهی: تدوین استراتژی پیروزی در شرایط خاص زمانه

در تحلیل مسائل الهی و بشری، فاصله‌ای اساسی وجود دارد که قرآن کریم به‌طور شگفت‌انگیزی آن را آشکار کرده است. دستگاه محاسبات بشری مبتنی بر اصول ثابت و ملموس است، اما در دستگاه الهی گاهی می‌بینیم که چندان با محاسبات بشری همخوانی ندارد. این تفاوت‌ها نه تنها در تفسیر جهان بلکه در نحوه مقابله با مشکلات و رویدادهای مختلف تاریخی نیز خود را نشان می‌دهد. قرآن، کتابی است که در دل خود اعجازهای بزرگ را نهفته دارد و از آن طریق انسان‌ها را به درک واقعی‌تری از زندگی و تکالیف خود در برابر خداوند راهنمایی می کند.

یکی از وظایف اصلی ولی الهی امتداد احکام و دستورات قرآنی در برهه های خاص، به اقتضاء زمانه است. قرآن کریم یک برنامه واحد و تحلیل تک خطی از وقایع ندارد. اما اینکه کدام تحلیل و کدام برنامه باید در جامعه در دستور کار قرار گیرد را ولی الهی مشخص میکند. در برهه ای از زمان امام معصوم تصمیم به آتش بس و صلح میگیرد و پای میز مذاکره اسلام را از خطر نابودی می رهاند، و در برهه ای دیگر تصمیم به مقابله حداکثری با جبهه کفر میگیرد و با اهل و خاندانش در صحرایی با خون خود، تداوم اسلام را تضمین میکند. هر دو برنامه از قرآن اخذ و دریافت شده است. هر دو مابه ازایی در شریعت دارد که قابل اسناد و استناد و استشهاد است. اما اینکه امروز تقیه باید دستور کار جبهه حق باشد یا مقاتله، بر عهده ولی جامعه است و بر همگی واجب است تبعیت کنند

وظیفه تحلیل و تبیین، بر عهده مومنین است. مومنینی که آنقدر به افق فهم ولی نزدیک شده اند که استنباط او را از قرآن می فهمند و در جامعه ترویج میدهند. حتی گاهی قبل تر از آنکه او چیزی بگوید. چرا؟ چون کارکرد قرآن همین است. قرآن امام صامت است و امام قرآن ناطق.

اینجا اگر مومنین قادر به تحلیل نبودند، باید فکری به حال خود کنند؛ ولو اینکه حافظ قرآن باشند. آنها برنامه ولی را نفهمیده‌اند. ندانسته اند کدام برنامه توسط او در جامعه امتداد پیدا کرده و میکند .

واقعیت آن است که بسیاری از ما فاصله زیادی تا فهم دستگاه روشگانی و اندیشگانی ولی خدا داریم. خدا نکند در بزنگاه‌ها هاج و واج فقط ناظر باشیم.

مومنی که اندیشه اش پایه قرآنی دارد و دستگاه تحلیلی اش الهی است و از طرف دیگر برنامه ولی را میداند، وظیفه دارد تحلیل خود را در جامعه به تحلیل غالب و فراگیر تبدیل کند. اگر اینطور شد، نصرت الهی حتمی

است. چون ابتلائات صرفا وسیله ای هستند تا مومنین به این حد از باور برسند: مما کانَ اللَّهُ لِیَذَرَ الْمُؤْمِنینَ عَلی ما أَنْتُمْ عَلَیْهِ حَتَّی یَمیزَ الْخَبیثَ مِنَ الطَّیِّبِ وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ (آل عمران ۱۷۹).

رهبر شهید، فرمودند: «عده‌ای همتشان این است که دل مردم را خالی کنند؛ طوری وقایع را تصویر می‌کنند که مردم را بترسانند. در داخل نباید کسی این کار را بکند». این یک باور قرآنی است. این یک امتدادی از مفاهیم قرآن کریم با توجه به اقتضائات روز است.

ای بسا، تحلیل های شبه عقلانی ما را به این سمت ببرد که شکست خورده ایم .

ای بسا خیلی از ما با استناد به تحلیل شکست در جنگ احد توسط قرآن کریم، وظیفه را صرفا تحلیل شکست و بیان نواقص بدانیم .

ای بسا خیلی از ما به تاسی از آیات قرآنی، وظیفه امروز را داد زدن نفاق و بی آبرویی منافقین بدانیم .

اما دستور رهبری فراتر از این است. به نظر او شرایط امروز ما مشابه مومنین سپاه طالوت است. کسانی که هم در مقام تحلیل به غفلت‌ها توجه می‌کنند و هم هر تحلیل مادی شکست انگارانه را کنار زده و مدلهای فتح و پیروزی را طراحی میکنند. حتی پس از دیدن سپاه انبوه و مجهز جالوت. اگر اینطور شد پیروزی حتمی است.

سید حسن را از دست دادیم؟! سوریه رفت؟! اما جبهه مقاومت قوی‌تر از گذشته است.

از قضا خصوصیت این فضا داوود پروری است. یک سید حسن دادیم، اما فضا به گونه ای است که میتوانیم سید حسن های دیگری داشته باشیم. یک سوریه دادیم، اما فضا به گونه ای است که میتوانیم سوریه را مجددا به دست آوریم.

چه چیزی بهتر از آنکه در این فضا زیست میکنیم و این فضا را تجربه میکنیم.

فَلَمَّا جاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذینَ ءَامَنُواْ مَعَهُ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِه قَالَ الَّذینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَقُواْ اللَّهِ کَم مِّن فِئَةٍ قَلیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثیرَةَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّبِرینَ(۲۴۹) وَ لَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَ جُنُودِه قَالُواْ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَیْنَا صَبرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَفِرِینَ(۲۵۰) فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ ءَاتَئهُ اللَّهُ الْمُلْکَ وَ الحِکْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مما یشاء.

فصل دوم:

آینده مقاومت در دوران پسا طوفان الاقصی

طوفان الاقصی، نه یک رویداد نظامی صرف، بلکه زلزله‌ای راهبردی در معادلات ژئوپلیتیک منطقه و نقطه عطفی در تاریخ مقاومت فلسطین بود. این عملیات، که با شکستن هیمنه امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی همراه شد، نشان داد که مقاومت نه‌تنها از مرحله بقا و تدافع عبور کرده، بلکه به سطحی از ابتکار عمل و تسلط عملیاتی دست یافته است که می‌تواند آینده نبرد را به نفع خویش تغییر دهد.

در دوران پسا طوفان الاقصی، دیگر نمی‌توان مقاومت را در چارچوبی محدود و محصور به غزه یا حتی فلسطین اشغالی تحلیل کرد .تحولاتی که این نبرد رقم زد، فراتر از یک پیروزی نظامی مقطعی بود و به مثابه یک دگرگونی کلان در نظم موجود در منطقه عمل کرد .پیش از این، رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرتی تلقی می‌شد که با بهره‌گیری از حمایت‌های نامحدود غرب و توانمندی‌های تکنولوژیک، قادر به حفظ برتری استراتژیک خود در منطقه است. اما طوفان الاقصی نشان داد که این برتری بیش از آنکه بر بنیان‌های واقعی استوار باشد، بر توهم امنیت مطلق، عدم وجود تهدیدهای راهبردی و وابستگی کامل به چتر حمایتی آمریکا و غرب متکی بوده است.

امروز، مقاومت دیگر تنها یک نیروی مسلح با ماهیت دفاعی نیست، بلکه یک قدرت نوظهور در عرصه نبردهای نامتقارن و استراتژی‌های جنگی مدرن به شمار می‌آید .این تحول، در عین حال که تهدیدی بی‌سابقه برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، فرصتی تاریخی برای آرمان فلسطین و جبهه مقاومت در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کرده است.

اکنون دو سناریو در برابر مقاومت قرار دارد: نخست، تثبیت پیروزی‌های به‌دست‌آمده از طریق تقویت ظرفیت‌های نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک؛ و دوم، بهره‌گیری از شرایط جدید برای پیشبرد اهداف راهبردی بلندمدت که می‌تواند مسیر نهایی آزادی فلسطین را هموار سازد.

با توجه به این تحولات، این نوشتار تلاش دارد تا آینده مقاومت در دوران پسا طوفان الاقصی را در ابعاد مختلف بررسی کند؛ از تحولات نظامی و تاکتیکی گرفته تا تغییر در معادلات سیاسی و دیپلماتیک، و از همگرایی در محور مقاومت تا افول روزافزون رژیم صهیونیستی.

بخش اول: آینده مقاومت؛ از تثبیت قدرت تا تحمیل معادلات جدید بر دشمن

مقاومت فلسطین، پس از طوفان الاقصی، دیگر یک نیروی محصور در نوار غزه یا کرانه باختری نیست، بلکه به بازیگری راهبردی در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده است که توان تحمیل قواعد جدید بر دشمنان خود را دارد .این مرحله از حیات مقاومت، نیازمند تلفیقی از استحکام داخلی، توسعه توانمندی‌های نظامی و امنیتی، افزایش هم‌افزایی منطقه‌ای و بهره‌گیری از شرایط بین‌المللی برای تثبیت موقعیت راهبردی آن است.

۱. استمرار و تکامل مقاومت درون فلسطین

- **گسترش نبرد فرسایشی**: مقاومت در دوران پسا طوفان الاقصی، به جای اتکای صرف بر نبردهای سنگین، از استراتژی جنگ فرسایشی بهره خواهد برد؛ بدین معنا که رژیم صهیونیستی درگیر درگیری‌های دائمی و پراکنده خواهد شد که هزینه‌های امنیتی و اقتصادی آن را به شدت افزایش می‌دهد.
- **افزایش نقش کرانه باختری**: کرانه باختری، که همواره به‌عنوان نقطه ضعف رژیم صهیونیستی مطرح بوده، پس از این عملیات به کانون اصلی مقاومت شهری و نامتقارن تبدیل خواهد شد.
- **گسترش تسلیحاتی و ایجاد توازن قدرت**: با تقویت خطوط تأمین سلاح و فناوری‌های نوین، مقاومت فلسطین به سطحی خواهد رسید که بتواند معادله بازدارندگی جدیدی علیه تجاوزات دشمن ایجاد کند.

۲. تحمیل قواعد جدید در منطقه

- **تقویت محور مقاومت و ایجاد جبهه‌های چندگانه**: جنگ آینده تنها به فلسطین محدود نخواهد شد؛ بلکه از لبنان، سوریه، عراق و یمن، جبهه‌ای یکپارچه علیه رژیم صهیونیستی شکل خواهد گرفت که اسرائیل را در محاصره‌ای امنیتی و نظامی قرار خواهد داد.
- **کنترل بر معادلات امنیتی رژیم صهیونیستی**: مقاومت با افزایش برد موشکی، توان پهپادی و بهره‌گیری از عملیات‌های سایبری، می‌تواند دست برتر را در تعیین زمان و مکان درگیری‌های آینده داشته باشد.
- **تشدید فشار بر اسرائیل از طریق جنگ اقتصادی و مهاجرت معکوس**: با افزایش ناامنی داخلی و تشدید تحریم‌ها علیه رژیم صهیونیستی، روند مهاجرت معکوس شتاب خواهد گرفت و رژیم اشغالگر در برابر یک بحران هویتی و بقایی قرار خواهد گرفت.

۳. بهره‌گیری از تغییرات بین‌المللی

- **افول جایگاه اسرائیل در نظام جهانی**: با تغییر موازنه قدرت و کاهش نفوذ آمریکا در منطقه، اسرائیل دیگر نمی‌تواند مانند گذشته از چک سفید امضای واشنگتن بهره‌مند باشد.
- **افزایش حمایت جهانی از فلسطین**: پس از طوفان الاقصی، شاهد تحولات بی‌سابقه در افکار عمومی جهانی هستیم که رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک دولت آپارتاید محکوم می‌کند. مقاومت می‌تواند با تقویت دیپلماسی عمومی، این موج را به ابزاری مؤثر برای مشروعیت‌زدایی از اسرائیل تبدیل کند.

بخش دوم: محور مقاومت؛ از همبستگی تاکتیکی به هم‌افزایی راهبردی

تحولات سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی، نشان داده است که محور مقاومت از یک همبستگی تاکتیکی و پراکنده عبور کرده و وارد مرحله‌ای جدید از هم‌افزایی راهبردی شده است. اگر در گذشته گروه‌های مقاومت به‌صورت مستقل یا در هماهنگی محدود عمل می‌کردند، امروز شاهد یک نظم جدید و هماهنگ در سطح منطقه‌ای هستیم که نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در حوزه‌های امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و دیپلماتیک نیز تأثیرگذار است. این تحول، معادلات قدرت در منطقه را تغییر داده و دشمن صهیونیستی و حامیان آن را در برابر چالشی بی‌سابقه قرار داده است.

۱. محور مقاومت؛ از اتحاد پراکنده تا انسجام عملیاتی

در سال‌های گذشته، نیروهای مقاومت در کشورهای مختلف از فلسطین، لبنان و سوریه تا عراق و یمن، به‌عنوان بازیگرانی مستقل ولی همسو عمل می‌کردند. اما پس از تحولات میدانی اخیر، این گروه‌ها به یک شبکه منسجم با اهداف مشترک، هماهنگی نظامی و عملیات‌های یکپارچه تبدیل شده‌اند.

۲. هم‌افزایی راهبردی در چهار بُعد کلیدی

- **هم‌افزایی نظامی**؛ از نبردهای پراکنده به جنگ چندجبهه‌ای
- **هم‌افزایی اطلاعاتی و امنیتی**؛ عبور از مدل سنتی مقاومت
- **هم‌افزایی اقتصادی و لجستیکی**؛ خودکفایی در تأمین نیازهای جنگی
- **هم‌افزایی رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها**

۳. آینده محور مقاومت؛ عبور از دفاع به تهاجم

- مرحله جدید محور مقاومت نه‌تنها بر دفاع از فلسطین، بلکه بر تحمیل معادلات جدید به اسرائیل و غرب متمرکز است.
- از مدل جنگ‌های کوتاه‌مدت و پراکنده، به سمت نبردهای فرسایشی و چندلایه حرکت خواهد کرد.
- تمرکز بر فرسایش داخلی اسرائیل، مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها و بحران امنیتی مداوم.

تحولات سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از طوفان الاقصی، نشان داده است که محور مقاومت دیگر صرفاً مجموعه‌ای از گروه‌های مبارز پراکنده نیست، بلکه به یک جبهه متحد، منسجم و چندلایه تبدیل شده است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سرنوشت منطقه و آینده درگیری‌ها تأثیر بگذارد. اگر در گذشته مقاومت به‌طور عمده بر دفاع و مقابله مقطعی با تجاوزات دشمن صهیونیستی متمرکز بود، امروز شاهد گذار مقاومت از یک نیروی تدافعی به یک جبهه راهبردی و تهاجمی هستیم که می‌تواند معادلات جنگ و صلح را در منطقه تعیین کند. آنچه محور مقاومت را از گذشته متمایز کرده، هم‌افزایی در چهار بُعد کلیدی ن**ظامی، اطلاعاتی، اقتصادی-لجستیکی و رسانه‌ای** است:

- در بُعد **نظامی**، مقاومت موفق شده است با ایجاد یک شبکه فرماندهی مشترک، افزایش قدرت موشکی و بهره‌گیری از تجربه میدانی در نبردهای مختلف، رژیم صهیونیستی را از حالت هجومی به موقعیتی تدافعی و شکننده سوق دهد .امروز دیگر دشمن نمی‌تواند در یک نبرد محدود، مقاومت را به زانو درآورد، بلکه هر اقدام او با واکنشی سریع، هوشمندانه و گسترده از سوی محور مقاومت در چندین جبهه روبه‌رو می‌شود.
- در بُعد **اطلاعاتی**، مقاومت از یک نیروی پراکنده و متکی به اطلاعات بومی، به یک سامانه منسجم اطلاعاتی و امنیتی تبدیل شده که می‌تواند با نفوذ سایبری، استفاده از پهپادهای شناسایی و هماهنگی امنیتی میان گروه‌های مختلف، نقاط ضعف دشمن را رصد کرده و از آن بهره‌برداری کند.
- در بُعد **اقتصادی و لجستیکی**، تلاش‌های گسترده‌ای برای خودکفایی در تولید تسلیحات، کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی و تقویت مسیرهای انتقال تجهیزات نظامی صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که امروز گروه‌های مقاومت در فلسطین قادرند موشک، پهپاد و حتی برخی سامانه‌های جنگ الکترونیک را در داخل تولید کنند.
- در بُعد **رسانه‌ای**، محور مقاومت توانسته است نبرد را از میدان جنگی به میدان افکار عمومی و جنگ روایت‌ها بکشاند، به‌گونه‌ای که امروزه اسرائیل دیگر تنها در برابر مقاومت مسلحانه قرار ندارد، بلکه در

عرصه بین‌المللی نیز با موجی از اعتراضات، تضعیف مشروعیت و گسترش نفرت عمومی مواجه شده است.

در دوران پساطوفان الاقصی، اهداف محور مقاومت دیگر تنها محدود به دفاع از سرزمین‌های اشغالی و مقابله با تجاوزات صهیونیست‌ها نیست، بلکه در راستای یک استراتژی بلندمدت برای تضعیف، فرسایش و محاصره رژیم اسرائیل حرکت می‌کند.

- افزایش حملات چندجبهه‌ای و جنگ‌های فرسایشی، اسرائیل را درگیر بحران‌های داخلی و امنیتی مداوم خواهد کرد.
- تمرکز بر مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها، فروپاشی اجتماعی و افزایش بی‌ثباتی در سرزمین‌های اشغالی.
- تحمیل قواعد جدید بر دشمن از طریق قدرت‌نمایی نظامی و ایجاد توازن وحشت در سطح منطقه.
- گسترش شبکه مقاومت در کشورهای دیگر و تقویت نقش محور مقاومت به‌عنوان بازیگر کلیدی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی.

محور مقاومت امروز از یک مجموعه نیروهای همسو با اهداف مشترک، به یک جبهه راهبردی و هوشمند تبدیل شده که می‌تواند دشمن را در جبهه‌های مختلف زمین‌گیر کند .جنگ‌های آینده تنها در میدان نبرد تعیین نخواهند شد، بلکه مقاومت با نفوذ اطلاعاتی، جنگ روانی و تحمیل معادلات جدید، دشمن را در یک جنگ ترکیبی و چندبعدی گرفتار کرده است.

اگر در گذشته اسرائیل خود را در موقعیتی می‌دید که تعیین‌کننده معادلات جنگ و صلح در منطقه باشد، امروز این محور مقاومت است که قواعد جدید بازی را می‌نویسد. آینده این محور، نه‌تنها در ادامه مسیر کنونی بلکه در گسترش نفوذ و تحمیل قواعد راهبردی جدید رقم خواهد خورد. دوره‌ای که در آن مقاومت تنها به دفاع بسنده می‌کرد، پایان یافته است؛ امروز مقاومت آینده منطقه را شکل می‌دهد و دشمن را به پذیرش واقعیت‌های جدید وادار خواهد کرد.

بخش سوم: استراتژی های قرآنی در مواجهه با رژیم صهیونیستی

قرآن کریم، به‌عنوان منبع الهی هدایت و راهنمای امت اسلامی، همواره مسیر رویارویی با طغیان‌گران، مستکبران و ستم‌پیشگان را روشن ساخته است. در تاریخ بشری، نزاع میان حق و باطل همواره ادامه داشته و در این میان، رژیم صهیونیستی یکی از بارزترین مصادیق جبهه باطل در دوران معاصر است .قرآن نه‌تنها این

پدیده را از حیث **ریشه‌های تاریخی و ماهیت فسادآلود آن تبیین می‌کند، بلکه راهبردهای دقیق و روشنی برای مقابله، مهار و در نهایت شکست این جریان استکباری ارائه می‌دهد.

از راهبرد بصیرت و شناخت دشمن گرفته تا اصل جهاد و مقاومت، از تأکید بر وحدت و انسجام اسلامی تا افشای ماهیت خیانت‌کارانه و سلطه‌طلبانه صهیونیسم، قرآن مجموعه‌ای از راهکارهای بنیادین را برای مواجهه با این رژیم ترسیم کرده است .این راهبردها نه‌تنها در میدان نبرد نظامی، بلکه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی نیز نقشه راهی برای امت اسلامی در برابر فتنه‌های صهیونیستی ارائه می‌کنند.

امروز، در دوران پساطوفان الاقصی، بهره‌گیری از این استراتژی‌های قرآنی بیش از هر زمان دیگری ضروری است؛ چراکه مسیر نابودی رژیم صهیونیستی و آزادسازی قدس شریف، از دل این آموزه‌های وحیانی می‌گذرد .در این نوشتار، به بررسی برخی از مهم‌ترین این راهبردها پرداخته و چگونگی تحقق آن‌ها در واقعیت میدانی و معادلات منطقه‌ای را واکاوی خواهیم کرد.

پیشنهاد دو راهبرد تصریحی برگرفته از دو واژه "لینه -نرمی" و "غلظت-سختی-خشونت

۱. آیات سوره حشر و واژه "لینه" و روش جالب پیامبر در جنگ با قلعه یهودیان بنی نضیر:

یهودیان بنی نضیر، قبیله موذی و پرآزاری بودند که از هیچ فرصتی برای اذیت مسلمانان دریغ نمیکردند، در جنگ مسلمانان با یهود در مدینه، دژی مستحکم وجود داشت که نامش را میتوان گنبد آهنین گذاشت. درون قلعه را هم سرزمین‌های اشغالی می‌نامیم که با این دژ محافظت می‌شد و قرار بود یهود عنود از آن بیرون ریخته شوند تا از آن نقطه به کارشکنی ادامه ندهند. مسلمانان حتی نتوانستند درون قلعه را تیر(موشک)باران کنند و یا دیوار قلعه را خراب (هَک و نفوذ) کنند. پس به دستور پیامبر،ابتدا شریانهای اقتصادی داخل قلعه را دچار اختلال کردند و کاری متفاوت کردند: شروع کردند به قطع نخل در نخلستان‌های اطراف قلعه .

در روزگاران گذشته، خانه ها را به صورت تجمیعی در قالب یک روستا می‌ساختند و زمین‌های کشاورزی را در اطراف آن شکل می‌دادند. به این شیوه، تامین امنیت جامعه نیز بسیار آسان‌تر می‌شد که از طرق مختلفی از جمله دیوار و دژ و قلعه اطراف محل تمرکز جمعیت، حاصل می‌گشت. باغات اطراف، اموال مردم درون قلعه و منبع اقتصادی آنها بود .

میتوان تطبیقی بین این باغات در جنگ با بنی‌نضیر و «شریان های واردات اقتصادی رژیم اشغالگر قدس» انجام داد. کاری که انصارالله یمن در جنگ غزه انجام میدهد برخاسته از این منطق قرآنی ست و واقعا موثر بوده است. نکته جالب آنکه از تعبیر قرآنی "لینه" در یک جنگ تاریخی، می‌توان نسخه دیگری نتیجه گرفت:

پیامبر به شیوه جدیدی در آن جنگ، شریان‌های اقتصادی یهود داخل قلعه را هدف گرفت، چون در آن مدت محاصره ، واردات و صادراتی از قلعه رخ نمی‌داد تا شریان بیرونی وجود داشته باشد و بخواهد هدف قرار گیرد،بنابراین آنچه هدف گرفت، حذف اموال افراد داخل قلعه و از کار انداختن پشتوانه های اقتصادی آنها در جنگ بود. اموالی که در خارج از قلعه و بدون حفاظ و دژ و گنبد آهنین بود مورد هدف قرار گرفت.مفسران معتقدند که به کنایه از همین آسانیِ جنگ به «لینه» (نرم) نام گرفت تا خداوند در ادامه‌ی سوره به مسلمین یادآوری کند که کار سخت نظامی در این جنگ انجام ندادند و این روش،سریعتر و آسانتر جواب میدهد.

بر اساس پیشنهادات قرآن،به محور مقاومت و کنشگرانش خیلی توصیه ها می توان کرد. توصیه به این که محاصره را کامل کنند: اعم از ناامن کردن پروازهای رژیم، تا فعال کردن همه اضلاع زمینیِ محاصره مانند سوریه و کرانه باختری (و اردن) و ناامنی مدیترانه و بنادر دریایی و مسیرهای دریایی. و میتوان توصیه‌ای به آحاد مسلمانان داشت: به اموال خصوصی اهالیِ رژیم ضربه بزنید .

برای قطع شریان‌های اقتصادی یا تکمیل محاصره، نیاز به کار امنیتی و نظامی است که از هرکسی بر نمی‌آید و کار مجموعه های حرفه ای نظامی است . خوب یا بد، هنوز کسی خط لوله باکو و کشتی‌های ترکیه و میدان‌های گازی درون رژیم را ناامن نکرده است. عملیات استشهادی در کرانه باختری هم هنوز کمتر از چیزی است که باید باشد، بنابراین یک راهکار جدید آن است که «هزینه ضربه را پایین بیاوریم و تعداد ضربات را بالا ببریم و ضربات اقتصادی موثر بزنیم» تا همه مسلمانان و جریانات کوچک مقاومت بتوانند آن را انجام دهند.ضربه زدن به اموال اهالی و طرفداران رژیم در هر جای جهان، از این جنس است.

فقط نیاز به یک منبع از داده ها و اشتراک گذاری آن داریم، که اموال صهیونیست ها را در همه کشورهای جهان خصوصاً امارات و احیاناً ترکیه و سایر کشورها، مشخص و معرفی کند. اموال سران و مسئولین رژیم که خارج از رژیم اموالی دارند .

سرانجام ماجرای بنی نضیر چه شد؟ قطع لینه، باعث شد یهودِ مال‌دوست مال پرست خودش از ادامه جنگ منصرف شود و در کمال ناباوری (ما ظننتم ان یخرجوا...) همین حربه‌ی ساده برای یهود لجوج جواب داد و بازدارندگی ایجاد کرد درحالی که شاید برای اقوام دیگر چندان جواب نمی داد. بنی نضیر به مذاکرات و «آتش‌بس» پیوست و نهایتا از سرزمین های اشغالی اخراج شدند و قلعه توسط مسلمانان فتح شد.

۲. استراتژی قرآنی "غلظت شدید"و "ضربات مستمر و موثر":

صهیونیستها بسیار بزدل هستند و حتی با برساختهای رسانه ای هم نتوانستند ترس عمیق خود را پنهان کنند، بنابراین یک سوال راهبردی در مواجهه ما و آنها پیش میاید که چرا جبهه مقاومت باید مستمرا به اسراییل ضربات پی در پی و موثر بزند و چرا ایران باید مجدد به اسراییل حمله کند؟و چرا یک لحظه نباید به این سگ هار فرصت نفس کشیدن داد؟

ابتدا دقت کنید که اسراییل اساسا حق قانونی حمله به ایران و هیچ کشوری را ندارد و واژه «پاسخ» برای او صدق نمی کند،بلکه ما اخیرا پاسخ جنایت او در قلب تهران را دادیم .

برخی نوشتند «وعده صادق ۲» در پاسخ به هنیه و سیدحسن نصرالله بود!! حال آنکه این عملیات به تعبیر رهبری حداقلی بود و حتی پاسخ خون پاک هنیه هم نبود و حتما باید سران مهم آنها را زد و هنوز پاسخ جنایت آنها در شهادت شخصیت بی بدیلی مثل سیدحسن داده نشده است.

هنوز لیست مفصلی از جنایات اسراییل مثل شهادت فخری زاده و سید رضی و.. هستند که متقابلا قصاص نکردیم و اخیرا هم خبر بمباران بیمارستان هلال احمر ایران رسیده که حتما باید در لیست تنبیه قرار داده شود.

هر نوع سستی مقابل یک سگ هار با هر توجیهی، یعنی تشویق او به حمله مجدد که خلاف اغراض ما از پاسخ یعنی تحقق «بازدارندگی دائمی» است.باید پاسخ هر اتفاقی را را برای خودمان محفوظ بدانیم و او بداند که دیر یا زود میزنیم.

الان هم در فضای افکار عمومی،احتمال وحشی گری مجدد صهیونیستها و حمله به خاک ایران وجود دارد،در هر حال اگر حماقت کرد و به ما حمله کرد و حتی فقط مراکز نظامی و یا اقتصادی را هدف قرارداد به قاعده قرآنی"غلظت" ،فورا پنج دسته از اهداف راهبردی در دستور کار مسوولان نظامی و موشکی قرار خواهد گرفت :

زیرساختها و فرودگاهها و آشیانه های هواپیمای پیشرفته نظیر اف۳۵»، «انبارهای سلاح در درون و بیرون شهرها و شهرکها»، «ساختمانهای مراکز امنیتی مثل موساد و شاباک»، «سران نظامی و جنگی اسراییل» و «مراکز حساس پالایشگاهی و نیروگاهی و زیرساختی اسراییل.

سوره توبه آیه ۱۲۳، پاسخ ما را مشخص کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

فصل سوم:

۱۷ اکتبر و خوانش ۶۳ فرمان الهی، ۱۳۰ آیه قرآن در نبرد با صهیونیسم جهانی

تهاجم همه‌جانبه و ددمنشانه‌ی رژیم صهیونیستی به باریکه‌ی غزه پس از عملیات تاریخی و کوبنده‌ی طوفان‌الاقصی در هفتم اکتبر، بار دیگر ماهیت سبعانه‌ی جبهه‌ی استکبار و حامیان غربی ـ آمریکایی آن را برملا ساخت. این نبرد سرنوشت‌ساز، فراتر از یک منازعه‌ی منطقه‌ای، رویارویی دو جبهه‌ی متقابل تاریخ یعنی جبهه‌ی ایمان، مقاومت و مجاهدت در برابر جبهه‌ی کفر، نفاق و اشغالگری است. در چنین شرایطی، امت اسلامی موظف است با اتکای راسخ به سنّت‌های الهی و بهره‌گیری از هدایت‌های وحیانی، حقیقت را برملا سازد، چهره‌ی پلید دشمن را رسوا کند و پرچم مقاومت را با صلابت برافراشته نگاه دارد.

بی‌گمان، قرآن کریم به عنوان میثاق جاودانه‌ی امت اسلام، نقشه‌ی راهی روشن برای مواجهه با چنین مصاف‌های تاریخی ارائه کرده است. آیات نورانی وحی، از یک سو به افشای خباثت و شکست‌پذیری دشمن می‌پردازند و از سوی دیگر، بشارت‌های الهی و راهبردهای عملی را برای امت مؤمن و صبور تبیین می‌نمایند. این هدایت قرآنی، از فریاد علیه ظلم و کتمان نکردن حقیقت جنایات گرفته تا ایستادگی در میدان نبرد، جهاد مالی و نظامی، پرهیز از سازش و نفی ولایت دشمن، همگی چراغ راهی برای امروز امت فلسطین و فردای روشن امت اسلامی است.

نوشته حاضر، با گردآوری ۶۳ توصیه‌ی راهبردی قرآنی در نسبت با جنگ غزه، تلاشی برای بازخوانی عمیق سنّت‌های الهی در عرصه‌ی مبارزه‌ی حق و باطل است. این مجموعه، بر مبنای آیات متعدد قرآن کریم سامان یافته و هر توصیه، همچون قطعه‌ای از یک منظومه‌ی الهی، به روشن‌سازی وظایف امت و مجاهدان در این مرحله‌ی خطیر کمک می‌کند. حقیقت آن است که امت اسلامی در پرتو همین معارف قدسی، به درک این سنت قطعی می‌رسد که مقاومت، ضامن بقا و عزت، و سازش و تفرقه، مایه‌ی ذلت و نابودی است.

از این منظر، بازخوانی و بازتبیین این توصیه‌های قرآنی ضرورتی راهبردی برای تقویت جبهه‌ی مقاومت و تحکیم روحیه‌ی جهادی در میان ملت‌های مسلمان است. چرا که آیات الهی به ما می‌آموزند دشمن هرگز دست از توطئه و خباثت برنمی‌دارد، سازش سرانجامی جز خسارت ندارد و وعده‌ی قطعی خداوند، نصرت نهایی اهل ایمان و نابودی کامل رژیم‌های غاصب و اشغالگر است. بدین‌سان، این مجموعه می‌کوشد با اتکا به کلام الهی، افق‌های امیدبخش پیروزی و آینده‌ی بدون اسرائیل را به تصویر کشیده و هم‌زمان، خطوط قرمز و الزامات راهبردی جبهه‌ی مقاومت را یادآوری کند تا بدین‌وسیله، خون شهیدان مظلوم غزه و مجاهدان طوفان‌الاقصی، به سرمایه‌ای جاودانه برای بیداری امت اسلامی و پیشبرد نهضت جهانی مقاومت تبدیل گردد.

۱) حقایق جنایات و شکست های دشمن را «کتمان» نکنید

- «وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و حق را با باطل نیامیزید، و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید.» (بقره: ۴۲)
- «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَبِئْسَ ما يَشْتَرُونَ؛ و (بخاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که حتما آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید، اما آنها آن را پشت سر افکندند، و به بهای کمی مبادله کردند، چه بد متاعی خریدند؟» (آل عمران: ۱۸۷)

۲) باید «ظلم» را «فریاد» زد:

- «لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاَّ مَنْ ظُلِمَ وَ كانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدیها را اظهار کند، مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد. و خداوند شنوا و دانا است.» (نساء: ۱۴۸)

۳) نبرد برای بازپس گیریِ سرزمین غصب شده، نبردی مقدس است:

- «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسى إِذْ قالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنا مَلِكاً نُقاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ أَلاَّ تُقاتِلُوا قالُوا وَ ما لَنا أَلاَّ نُقاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنا مِنْ دِيارِنا وَ أَبْنائِنا؛ آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: " زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: "شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!" گفتند:" چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟!» (بقره: ۲۴۶)
- «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ؛ به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا قادر بر نصرت آنها است. * همانها که به ناحق از خانه و لانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز اینکه می گفتند پروردگار ما اللّه است.» (حج: ۴۰-۳۹)

۴) دشمن را از سرزمین تان بیرون کنید:

- «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ؛ و آنها را [بت‌پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آنجا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید.» (بقره: ۱۹۱)
- «إِنَّما يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ خداوند شما را تنها از دوستی و پذیرش ولایت کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند، و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، و هرکس آنها را دوست دارد و ولایتشان را بپذیرد، ظالم است.» (ممتحنه: ۹)

۵) اگر دشمن به سرزمین تان دست درازی کرد، دستش را قطع کنید:

- «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُما؛ دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند قطع کنید.» (مائده: ۳۸)

۶) به زودی مالک خانه ها و سرزمین غصبی شان می شوید:

- «وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مِنْ صَياصِيهِمْ وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقاً * وَ أَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيارَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطَؤُها وَ كانَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً؛ خداوند گروهی از اهل کتاب را که از آنها (مشرکان عرب) حمایت کردند، از قلعه‌های محکمشان پائین کشید، و در دلهای آنها رعب افکند (کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید. * و زمینها و خانه‌هایشان را در اختیار شما گذاشت و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید و خداوند بر هر چیزی قادر است.» (احزاب: ۲۷-۲۶)

۷) «واقعیات امیدبخش» را ببینید و بازگو کنید:

- «وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» (آل عمران: ۱۳۹)
- «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ؛ اگر به شما (در میدان احد) جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد) به آن جمعیت نیز (در میدان بدر) جراحتی همانند آن وارد گردید.» (آل عمران: ۱۴۰)

- «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَما تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ ما لا يَرْجُونَ وَ كانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً؛ اگر شما درد و رنج می‌بینید، دشمنان شما نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند، ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند دانا و حکیم است.» (نساء: ۱۰۴)

۸) تجربیات امیدبخش گذشته را یادآوری کنید:

- «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ خداوند شما را در "بدر" یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک پیروز شدید) در حالی که شما (نسبت به آنها) ناتوان بودید پس از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن مخالفت فرمان پیامبر نکنید) تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید.» (آل عمران: ۱۲۲)
- «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوى وَ الرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَواعَدْتُمْ لاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعادِ وَ لكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْراً كانَ مَفْعُولاً لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در آن هنگام شما در طرف پائین بودید و آنها در طرف بالا (و از این نظر دشمن بر شما برتری داشت و کاروان (قریش) پائین تر از شما بود (و دسترسی به آنها ممکن نبود، و ظاهرا وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می گذاشتند (که در میدان نبرد حاضر شوید) در انجام وعده خود اختلاف می کردید، ولی (همه این مقدمات) برای آن بود که خداوند کاری را که می‌بایست انجام شود تحقق بخشد تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند از روی اتمام حجت باشد، و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند) از روی دلیل روشن باشد و خداوند شنوا و دانا است.» (انفال: ۴۲)
- «وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآواكُمْ وَ أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و به خاطر بیاورید هنگامی که شما گروهی کوچک و اندک و ضعیف در روی زمین بودید آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند ولی او شما را پناه داد و یاری کرد و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت تا شکر نعمتش را به جا آورید.» (انفال: ۲۶)

۹) دشمنان، بر مردم بی بصیرت و کم عقل به راحتی مسلط می شوند:

- «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ إِنَّهُمْ كانُوا قَوْماً فاسِقِينَ؛ پس فرعون قومش را سبک مغز ساخت، در نتیجه آنان هم از او فرمان بردند، چرا که آنان مردمی فاسق و گناهکار بودند.» (زخرف: ۵۴)

۱۰)دشمنان هیچ وقت نمی توانند خدا را ناتوان و عاجز کنند:

- «وَ لا یَحْسَبَنَّ الَّذینَ کَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لا یُعْجِزُونَ؛ و آنها که راه کفر پیش گرفتند تصور نکنند (با این اعمال) پیروز می‌شوند (و از قلمرو کیفر ما بیرون می‌روند) آنها هرگز ما را عاجز و درمانده نخواهند کرد(زیرا هیچ چیز خارج از اراده الهی نیست).» (انفال: ۵۹)

۱۱)با شهادت انسانهای بزرگ، سست نشوید:

- «وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ وَ مَنْ یَنْقَلِبْ عَلی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللَّهَ شَیْئاً وَ سَیَجْزِی اللَّهُ الشَّاکِرینَ؛ محمد (ص) فقط فرستاده خدا بود و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به عقب برمی‌گردید؟ (و با مرگ او اسلام را رها کرده به دوران کفر و بت پرستی بازگشت خواهید کرد) و هر کس به عقب بازگردد هرگز ضرری به خدا نمی‌زند و به زودی خداوند شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.» (آل عمران: ۱۴۴)

۱۲)خدا افرادی بهتر از شهداء را جایگزین خواهد کرد:

- «ما نَنْسَخْ مِنْ آیَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَیْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها؛ هیچ آیه ای را نسخ نمی کنیم، و یا نسخ آن را به تاخیر نمی‌اندازیم، مگر اینکه بهتر از آن، یا همانند آن را، جانشین آن می‌سازیم؟» (بقره: ۱۰۶)

۱۳)مقام بلند شهداء و مجاهدان نزد خداوند:

- «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ؛ هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» (آل عمران: ۱۶۹)
- «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدینَ دَرَجَةً وَ کُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ عَلَی الْقاعِدینَ أَجْراً عَظیماً؛ خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر قاعدان برتری بخشیده و به هر یک از این دو دسته (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان برتری و پاداش عظیمی بخشیده است.» (نساء: ۹۵)
- «وَ مَنْ یُقاتِلْ فی سَبیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً؛ و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد.» (نساء: ۷۴)

۱۴)شهداء از بهشت هم به ما آرامش و امید می دهند:

- «فَرِحِينَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به آنها بخشیده است خوشحالند و به کسانی که (مجاهدانی که) هنوز به آنان ملحق نشدند(نیز) بشارت می دهند که نه ترسی بر آنهاست و نه غمی خواهند داشت.» (آل عمران: ۱۷۰)

۱۵)در جنگ و جهاد، جوهره و باطن انسانها معلوم می شود:

- «وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَداءَ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكافِرِينَ؛ و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم (که این خاصیت زندگی جهان است) تا افرادی که ایمان آورده‌اند شناخته شوند و خداوند از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ظالمان را دوست نمی‌دارد. * و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند) و کافران را تدریجاً نابود سازد.» (آل عمران: ۱۴۱-۱۴۰)
- «وَ ما أَصابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نافَقُوا؛ و آنچه (در روز احد) در روزی که دو دسته (مؤمنان و کافران) با هم نبرد کردند به شما رسید به فرمان خدا (و بر طبق قانون علیت) بود و برای این بود که مؤمنان شناخته شوند. * و نیز برای این بود که کسانی که راه نفاق پیش گرفتند شناخته شوند.» (آل عمران: ۱۶۷-۱۶۶)
- «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ؛ آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که هنوز آنها که از شما جهاد کردند و غیر از خدا و رسولش را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند (از دیگران) مشخص نشده‌اند (باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا شود) و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.» (توبه: ۱۶)
- «إِذْ جاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا * هُنالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدِيداً؛ به خاطر بیاورید زمانی را که آنها از طرف بالا و پائین (شهر) شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده بود، و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید! * در آنجا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.» (احزاب: ۱۱-۱۰)

- «وَ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ لانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لكِنْ لِيَبْلُوَا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ؛ و هرگاه خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید.» (محمد: ۴)
- «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَا أَخْبارَكُمْ؛ ما همه شما را قطعا آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند؟ و اخبار شما را بیازمائیم.» (محمد: ۳۱)
- «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتالُ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قالُوا رَبَّنا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنْيا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقى وَ لا تُظْلَمُونَ فَتِيلاً؛ آیا ندیدی کسانی را که به آنها گفته شد (فعلاً) دست از جهاد بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بپردازید، (اما آنها از این دستور ناراحت بودند) ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد جمعی از آنان از مردم (دشمنان خدا) می‌ترسیدند همانگونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر و گفتند پروردگارا چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟ چرا این فرمان را کمی تاخیر نینداختی؟ به آنها بگو سرمایه زندگی دنیا ناچیز است و سرای آخرت برای کسی که پرهیزکار باشد بهتر است و کوچکترین ستمی به شما نخواهد شد.» (نساء: ۷۷)

۱۶)جولان چند روزه باطل، بخشی از طرّاحی و مکر خداوند است؛ نباید ناامید شد:

- «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَعْلَمُونَ * وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ؛ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند تدریجا از آن راه که نمی‌دانند گرفتارشان خواهیم کرد. * و به آنها مهلت می‌دهیم زیرا طرح و نقشه من قوی (و حساب شده) است (و هیچکس را قدرت فرار از آن نیست).» (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳)
- «وَ أَصْحابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسى فَأَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ؛ و اصحاب مدین (قوم شعیب) و نیز (فرعونیان) موسی را تکذیب کردند، اما من به آنها مهلت دادم سپس آنها را مجازات کردم، دیدی کیفر و انتقام من چگونه بود؟» (حج: ۴۴)

۱۷)باطل، «ناگهان» نابود می شود:

- «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أَخَذْناهُمْ بَغْتَةً فَإِذا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ؛ هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید و) آنچه به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم تا (کاملا)

خوشحال شدند (و دل به آنها بستند) ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم) در این هنگام همه مأیوس شدند (و درهای امید به روی آنها بسته شد!) * و (به این ترتیب) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند قطع شد و ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است.» (انعام: ۴۵-۴۴)

- «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْباطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذا هُوَ زاهِقٌ؛ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد، و به این ترتیب باطل ناگهان محو و نابود می‌شود.» (انبیاء: ۱۸)

۱۸)نمی شود هم با «خدا» باشید و هم با «دشمنان خدا»:

- «لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ؛ افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد.» (آل عمران: ۲۸)
- «لا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كانُوا آباءَهُمْ أَوْ أَبْناءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ؛ قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند- هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند- دوست بدارند.» (مجادله: ۲۲)

۱۹)«تبعیت از دشمن» موجب «پسرفت» شماست نه «پیشرفت»:

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرِينَ * بَلِ اللَّهُ مَوْلاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به عقب بازمی‌گردانند و سرانجام زیانکار خواهید شد. * (آنها تکیه‌گاه شما نیستند) بلکه تکیه‌گاه و سرپرست شما خداست و او بهترین یاوران است.» (آل عمران: ۱۵۰-۱۴۹)
- «فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ ما أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ؛ پس، از امر (گفتار، عمل و دستورات حکومتی) فرعون پیروی نمودند و امر فرعون رشد دهنده (انسان ها) نیست.» (هود: ۹۷)

۲۰)با دشمنان خدا و خودتان، «همراز» نشوید:

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید.» (آل عمران: ۱۱۸)

۲۱)در کارهایتان به دشمنان تکیه نکنید:

- «وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِياءَ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ؛ و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولیّ و سرپرستی نخواهید داشت و (از جانب هیچ کس) یاری نمی‌شوید.» (هود: ۱۱۳)

۲۲)بخاطر شکر نعمت های خدا، هیچگاه به دشمنان خدا کمک نکنید:

- «قالَ رَبِّ بِما أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ؛ موسی(ع) عرض کرد پروردگارا! به شکرانه نعمتی که به من دادی، من هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.» (قصص: ۱۷)

۲۳)ولایت و آقاییِ دشمنان تان را نپذیرید:

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه گاه و سرپرست خود قرار ندهید، آنها خود، تکیه گاه یکدیگرند و هر کس از شما که آنها را به سرپرستی برگزیند، از آنهاست؛ خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند.» (مائده: ۵۱)
- «بَشِّرِ الْمُنافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذاباً أَلِيماً * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً؛ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنها است. * همانها که کافران را، بجای مومنان، دوست و سرپرست خود برمی گزینند، آیا این منافقان می‌خواهند از آن کافران کسب عزت و آبرو کنند، با اینکه همه عزّتها مخصوص خدا است(و او این عزت را به هرکس که بخواهد می بخشد)؟!» (نساء: ۱۳۹-۱۳۸)
- «وَ لَوْ كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِياءَ وَ لكِنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ؛ و اگر ایمان به خدا و پیامبر (ص) و قرآنی که بر او نازل شده می‌آوردند (هرگز) آن دشمنان را به دوستی و سرپرستی خود اختیار نمی‌کردند، ولی بسیاری از آنها فاسقند.» (مائده: ۸۱)
- «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ؛ کسانی که غیر از خدا را سرپرست خود برگزیدند، همچون عنکبوتند که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ و سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر می‌دانستند!» (عنکبوت: ۴۱)
- «وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً؛ و آنها که شیطان را به جای خدا ولیّ و سرپرست خود برگزینند، زیان آشکاری کرده‌اند.» (نساء: ۱۱۹)

- «إِنَّما يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ خداوند شما را تنها از دوستی و پذیرش ولایت کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند، و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، و هرکس آنها را دوست و ولیّ خود بدارد، ظالم است.» (ممتحنه: ۹)
- «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید با قومی که خداوند آنها را مورد غضب قرار داده، دوستی نکنید و ولایت و آقایی شان را نپذیرید.» (ممتحنه: ۱۳)

۲۴)نتیجه تلخ سازش:

- «وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاَّ مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلى فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ؛ و هر کس در آن هنگام به آنها (به انگیزه فرار) پشت کند- مگر در صورتی که هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) گرفتار غضب پروردگار خواهد شد و جایگاه او جهنم و چه بد جایگاهی است.» (انفال: ۱۶)

۲۵)«سازش با دشمن خدا در جنگ»، نتیجه «نافرمانی خدا در زندگی»:

- «إِنَّ الَّذينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطانُ بِبَعْضِ ما كَسَبُوا؛ آنها که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (روز جنگ احد) فرار کردند،(دلیلش آن بود که) شیطان آنها را بر اثر پاره‌ای از گناهانی که قبلا مرتکب شده بودند به لغزش انداخت.» (آل عمران:۱۵۵)

۲۶)بهانه های دروغ سازشکاران برای فرار از جنگ:

- «وَ قِيلَ لَهُمْ تَعالَوْا قاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتالاً لاَتَّبَعْناكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمانِ يَقُولُونَ بِأَفْواهِهِمْ ما لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يَكْتُمُونَ؛ و به آنها(منافقان) گفته شد بیائید و در راه خدا نبرد کنید یا (لااقل) از حریم خود دفاع نمائید، گفتند اگر جنگیدن بلد بودیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم؛ آنها آن روز به کفر نزدیکتر از ایمان بودند. با دهان خود چیزی میگویند که در دل آنها نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند دانا است.» (آل عمران: ۱۶۷)
- «وَ إِذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ يا أَهْلَ يَثْرِبَ لا مُقامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلاَّ فِراراً؛ و نیز به خاطر بیاورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب (مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست، به خانه‌های خود باز گردید، و گروهی از آنان

از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می گفتند خانه‌های ما بدون حفاظ است، در حالی که بدون حفاظ نبود، آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند!» (احزاب: ۱۳)

۲۷)بعد از جنگ، منتظر طعنه ها و زبان تیز سازشکاران باشید:

- «الَّذِينَ قالُوا لِإِخْوانِهِمْ وَ قَعَدُوا لَوْ أَطاعُونا ما قُتِلُوا قُلْ فَادْرَؤُا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ؛ (منافقان) آنها هستند که به برادران خود گفتند- در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- اگر آنها از ما پیروی می کردند کشته نمی‌شدند، بگو (مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش‌بینی کنید) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گوئید.» (آل عمران: ۱۶۸)
- «أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذا جاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ؛ آنها(منافقان) در همه چیز نسبت به شما بخیلند، و هنگامی که لحظات ترس و بحرانی پیش آید، مشاهده می‌کنی آن چنان به تو نگاه می‌کنند و چشمهایشان در حدقه می‌چرخد که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما هنگامی که حالت خوف و ترس فرو نشست زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنائم مطالبه می کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند.» (احزاب: ۱۹)

۲۸)مرگ بر سازشکاران:

- «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلاً * أُولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً ؛ «آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای؟ که به «جبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و درباره کسانی که کفر ورزیده‌اند می گویند: اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه‌یافته‌ترند.* آنها کسانی هستند که خداوند لعنت کرده و هرکس را خداوند لعنت کند، یاوری برای او نخواهی یافت.» (نساء: ۵۲-۵۱)
- «تَرى كَثِيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ؛ بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده‌اند دوستی می کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت، و پیوسته در عذاب می‌مانند.» (مائده: ۸۰)

۲۹)بیمار روحی اند که در دوستی با دشمن شتاب می کنند:

- «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشى أَنْ تُصِيبَنا دائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلى ما أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نادِمِينَ؛ می‌بینی کسانی که در دلهایشان بیماری است، در [دوستی] با آنان شتاب می‌ورزند. می گویند: «می‌ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد.» امید است خدا از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد، تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند، پشیمان گردند.» (مائده:۵۲)

۳۰)از دشمنان خدا اظهار نفرت کنید:

- «قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْراهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنا بِكُمْ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ؛ برای شما الگوی نیکویی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، هنگامی که به قوم مشرک خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، ما نسبت به شما کافریم، و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است، و این وضع هم چنان ادامه دارد تا به خدای یگانه ایمان بیاورید.» (ممتحنه: ۴)
- «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ؛ و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند.» (توبه: ۳)

۳۱)اگر بایستید، خدا اضطراب و ترستان را برطرف می کند:

- «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما اللّه است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.»(احقاف: ۱۳)
- «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلِياؤُكُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيها ما تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيها ما تَدَّعُونَ؛ کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است. * ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و برای شما هرچه بخواهید در بهشت فراهم است و هرچه طلب کنید به شما داده می‌شود.» (فصلت: ۳۲-۳۰)

۳۲)اگر بایستید، نعمت ها بر شما سرازیر می شود:

- «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً؛ و اینکه اگر آنها [جنّ و انس] در راه (خدا) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم!» (جن: ۱۶)
- «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راهی برای خروج او از تنگناها قرار خواهد داد * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس بر خداوند توکل کند، خداوند برای او کافی است.» (طلاق: ۳-۲)
- «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ؛ و اگر مردمی که در شهرها و آبادی ها زندگی می کنند، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشائیم.»(اعراف: ۹۶)

۳۳)اگر بایستید، پیروزید:

- «وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ اگر(در برابر دشمنان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان به شما زیانی نمی‌رساند. خداوند به آنچه آنها انجام می‌دهند، احاطه دارد.» (آل عمران: ۱۲۰)
- «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفاً مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر! مومنان را تحریک به جنگ (با دشمن) کن، هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می گردند چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!» (انفال: ۶۵)

۳۴)در برابر دشمن محکم «بایستید» و اظهار «ضعف» و «تسلیم» نکنید:

- «فَلا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمالَكُمْ؛ پس سستی نورزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست.» (محمد: ۳۵)
- «وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند، آنها هیچگاه در

برابر آنچه در راه خدا به آنها می‌رسید سست نشدند، و ناتوان نگردیدند و تن به تسلیم ندادند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۶)

- «وَ لا تَهِنُوا فِی ابْتِغاءِ الْقَوْمِ؛ و از تعقیب دشمن سست نشوید.» (نساء: ۱۰۴)
- «لَتُبْلَوُنَّ فِی أَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا أَذیً کَثِیراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ بطور مسلم در اموال و نفوس خود آزمایش می‌شوید و از آنها که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شدند (یعنی یهود و همچنین) از آنها که راه شرک پیش گرفتند، سخنان آزار دهنده فراوان خواهید شنید، و اگر استقامت کنید و تقوی پیشه سازید (شایسته‌تر است) زیرا اینها از کارهای محکم و قابل اطمینان است.» (آل عمران: ۱۸۶)
- «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا لَقِیتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با گروهی (در میدان نبرد) روبرو می‌شوید ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید.» (انفال: ۴۵)
- «فَاسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَکَ وَ لا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ؛ بنابراین همانگونه که فرمان یافته‌ای استقامت کن همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند و طغیان نکنید که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند.» (هود: ۱۱۲)
- «قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ؛ موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آن را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.» (اعراف: ۱۲۸)

۳۵)اگر دشمنان به شما حمله کردند، مقابله به مثل کنید:

- «وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد!» (بقره:۱۹۰)
- «وَ اقْتُلُوهُمْ حَیْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَیْثُ أَخْرَجُوکُمْ؛ و آنها را [بت‌پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آنجا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید.» (بقره: ۱۹۱)

- «فَإِنْ قاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذلِكَ جَزاءُ الْكافِرِينَ؛ پس اگر با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران!» (بقره: ۱۹۱)
- «فَمَنِ اعْتَدى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى عَلَيْكُمْ؛ هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!» (بقره: ۱۹۴)
- «وَ لَكُمْ فِي الْقِصاصِ حَياةٌ يا أُولِي الْأَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد، تا شما تقوی پیشه کنید.» (بقره: ۱۷۹)

۳۶)جنگ، خوبی هایی هم دارد که در آینده معلوم می شود:

- «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ؛ جهاد در راه خدا بر شما مقرر شده، در حالی که برایتان ناخوشایند است. (امّا این را بدانید که) چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است.» (بقره: ۲۱۶)

۳۷)بخاطر زنان و کودکان بی پناه و مظلوم، باید جنگید:

- «وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟، همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خود یار و یاوری تعیین فرما.» (نساء: ۷۵)

۳۸)با دوستان شیطان بجنگید:

- «الَّذِينَ آمَنُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِياءَ الشَّيْطانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفاً؛ آنها که ایمان دارند در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند در راه طاغوت (و افراد طغیانگر) پس شما با یاران شیطان پیکار کنید (و از آنها نهراسید) زیرا نقشه شیطان (همانند قدرتش) ضعیف است.» (نساء: ۷۶)

۳۹)بجنگید و از سرزنش هیچ کس نترسید:

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِينَ يُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرکس

از شما از آئین خود باز گردد (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد، که آنها را دوست دارد و آنها (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش کنندگان هراسی ندارند.» (مائده: ۵۴)

۴۰)دشمن، جز به تسلیم کامل شما راضی نمی شود:

- «وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لا النَّصاری حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (بطور کامل تسلیم خواسته‌های آنها شوی و) از آئین آنان پیروی کنی.» (بقره: ۱۲۰)

۴۱)اگر با دشمنان نجنگید و اگر بر شما مسلط شوند، «دین» و «دنیای» شما را نابود خواهند کرد:

- «وَ لَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِیَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللَّهِ کَثِیراً؛ و اگر خداوند بعضی از آنها را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می گردد.» (حج: ۴۰)
- «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ؛ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و کشت و نسل را نابود می‌سازند، و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.» (بقره: ۲۰۵)

۴۲)عاقبت دوستی با دشمن:

- «إِنْ یَثْقَفُوکُمْ یَکُونُوا لَکُمْ أَعْداءً وَ یَبْسُطُوا إِلَیْکُمْ أَیْدِیَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَکْفُرُونَ؛ اگر آنها(دشمنانی که با آنها دوستی می ورزید)، بر شما مسلط شوند دشمنتان خواهند بود، و دست و زبان خود را به بدی بر شما می گشایند و دوست دارند شما به کفر باز گردید.» (ممتحنه: ۲)

۴۳)نباید به دشمنان اجازه نفوذ و تسلط دهید:

- «وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً؛ و خداوند هرگز بر (زیان) مؤمنان، برای کافران راه (تسلّط و نفوذ) قرار نداده است.» (نساء: ۱۴۱)

۴۴)همیشه آماده باشید تا غافلگیر نشوید:

- «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ فَانْفِرُوا ثُباتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِیعاً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، سلاح خود را برگیرید و همواره آماده کارزار باشید و گروه‌گروه، یا یکپارچه و دسته جمعی به سویشان حرکت کنید.» (نساء: ۷۱)

- «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً واحِدَةً؛کافران دوست دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یک مرتبه به شما هجوم آورند.» (نساء: ۱۰۲)

۴۵)هرچه قوی تر باشید، بازدارندگی تان بیشتر است:

- «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از" نیرو" آماده سازید (و همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) دشمنان دیگری غیر از اینها را که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد(را هم بترسانید).» (انفال: ۶۰)

۴۶)در طول تاریخ، گروه‌های کوچکی بودند که با اراده خدا بر گروه‌های بزرگی پیروز شدند:

- «قالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند:" چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!" و خداوند، با صابران (و استقامت کنندگان) است.» (بقره: ۲۴۹)

۴۷)خدا سپاه حق را در چشم دشمنان دو برابر نشان داد:

- «قَدْ كانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتا فِئَةٌ تُقاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرى كافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشاءُ إِنَّ فِي ذلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصارِ؛ به آنان بگو: برای شما در مورد آن دو گروهی که در جنگ بدر با یکدیگر روبه‌رو شدند نشانه‌ای بود (بر این‌که خدا هرکه را بخواهد پیروز می‌گرداند). در آن جنگ، گروهی در راه خدا پیکار می‌کردند و گروه دیگر کافر بودند که به هنگام نبرد، دشمنان مجاهدان راه خدا را دو برابر تعدادی که بودند می‌دیدند! (ازاین‌رو هراسان شدند و گریختند). و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند. به راستی در این ماجرا برای صاحبان بصیرت عبرتی است.» (آل عمران: ۱۳)

۴۸)به وعده های دشمن، هیچ وقت اعتماد نکنید:

- «يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلاَّ غُرُوراً؛ شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد و جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد.» (نساء:۱۲۰)

- «لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْذُولاً؛ هرگز معبود دیگری را با خداوند شریک قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست!» (اسراء: ۲۲)
- «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا * كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا؛ و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزّتشان باشد! (چه پندار خامی!) * هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلکه) بر ضدّشان قیام می کنند!»(مریم:۸۲-۸۱)
- دشمنی که از پس مشکلات خودش هم برنمی آیند، چطور می خواهد مشکلات شما را برطرف کند:
- «وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ؛ و کسانی را که به جای او می‌خوانید، نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه (حتی) خودشان را نیز یاری دهند.» (اعراف: ۱۹۷)

۴۹)خدا هم به دشمنانش نیرنگ می زند:

- «وَ مَكَرُوا مَكْراً وَ مَكَرْنا مَكْراً وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ * فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْناهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ؛ و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند. * پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود: ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم.» (نمل: ۵۱-۵۰)
- «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) خارج سازند، آنها چاره می‌اندیشیدند (و تدبیر می کردند) و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین چاره‌جویان (و مدیران) است.» (انفال: ۳۰)
- «ذلِكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكافِرِينَ؛ [ماجرا] اینگونه بود، و [بدانید که] خدا نیرنگ کافران را سست می گرداند.» (انفال: ۱۸)

۵۰)روی کمک های خدا خیلی حساب کنید:

- «بَلى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری اگر استقامت داشته و تقوا پیشه کنید- و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید- خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌های مخصوصی دارند مدد خواهد داد.» (آل عمران: ۱۲۵)
- «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند و مؤمنان تنها بر خداوند باید توکل کنند.» (آل عمران: ۱۶۰)

- «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آئینش دفاع نمایند) یاری می‌کند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.» (حج: ۴۰)

۵۱)وقتی کار گره می خورد و از همه جا ناامید می شوید، کمک خدا فرامی رسد:

- «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْساءُ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتى نَصْرُ اللَّهِ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاری ها و ناراحتی ها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: "پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!" (در این هنگام تقاضای یاری از او کردند و به آنها گفته شد:) آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است!» (بقره: ۲۱۴)
- «وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلى ما كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتاهُمْ نَصْرُنا وَ لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ؛ پیامبرانی پیش از تو نیز تکذیب شدند و در برابر تکذیبها صبر و استقامت کردند، و (در این راه) آزار دیدند تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید (تو نیز چنین باش، و این یکی از سنتهای الهی است) و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد و اخبار پیامبران به تو رسیده است.» (انعام: ۳۴)

۵۲)خدا آتش جنگی که یهودیان به راه بیندازند را خاموش می کند:

- «كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ؛ و (این یهودیان) هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت.» (مائده: ۶۴)

۵۳)اگر با شما روبرو شوند، پا به فرار می گذارند:

- «وَ لَوْ قاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبارَ ثُمَّ لايَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لا نَصِيراً؛ اگر کافران با شما پیکار می‌کردند به زودی فرار می‌نمودند، سپس ولی و یاوری نمی‌یافتند.» (فتح: ۲۲)
- «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ أَذىً وَ إِنْ يُقاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا يُنْصَرُونَ؛ آنها (اهل کتاب مخصوصا یهود) هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر، و اگر با شما پیکار کنند به شما پشت خواهند کرد (و شکست می‌خورند) سپس کسی آنها را یاری نمی‌کند.» (آل‌عمران :۱۱۱)

۵۴)از جایی که فکرش را نمی کنند می خورند:

- «هُوَ الَّذی أَخْرَجَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ مِنْ دِیارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ما ظَنَنْتُمْ أَنْ یَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُونَ بُیُوتَهُمْ بِأَیْدِیهِمْ وَ أَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ فَاعْتَبِرُوا یا أُولِی الْأَبْصارِ؛ اوست کسی که، از میان اهل کتاب(یهودیان) کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود، و [لی] خدا از آنجایی که تصوّر نمی‌کردند بر آنان درآمد و در دلهایشان بیم افکند، [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند. پس ای صاحبان بصیرت، عبرت گیرید.» (حشر:۲)

۵۵)خدا به دلشان ترس می اندازد:

- «وَ أَنْزَلَ الَّذینَ ظاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ مِنْ صَیاصِیهِمْ وَ قَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِیقاً تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ؛ خداوند گروهی از اهل کتاب را که از آنها (مشرکان عرب) حمایت کردند، از قلعه‌های محکمشان پائین کشید، و در دلهای آنها رعب افکند (کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می کردید.» (احزاب: ۲۷-۲۶)

۵۶)خودتان را دست کم نگیرید:

- «وَ لاتَهِنُوا وَ لاتَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ؛ و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» (آل عمران: ۱۳۹)

۵۷)پایان جنگ، دنیای بدون اسرائیل و ظهور منجی:

- «وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَةٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ لِلَّهِ؛ و با آنها پیکار کنید! تا (وقتی که) فتنه ای باقی نماند، و دین، مخصوص خدا گردد.» (بقره: ۱۹۳)
- «قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ؛ موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آن را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.» (اعراف: ۱۲۸)
- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَ مَنْ

كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هرکس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.» (نور: ۵۵)

- «يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ؛ می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا- گرچه کافران را ناخوش افتد- نور خود را کامل خواهد گردانید.» (صف: ۹-۸)
- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.» (صف: ۹/ توبه: ۳۳)

۵۸)سستی، نزاع و نافرمانی کنید، شکستتان قطعی است:

- «وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذا فَشِلْتُمْ وَ تَنازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما أَراكُمْ ما تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ خداوند وعده خود را به شما (درباره پیروزی بر دشمن در احد) راست گفت، در آن هنگام (در آغاز جنگ احد) دشمنان را به فرمان او به قتل می‌رساندید (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید و (بر سر رها کردن سنگرها) و در کار خود به نزاع پرداختید، و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد نافرمانی کردید، بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت، سپس خداوند شما را از آنها منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را آزمایش کند و او شما را بخشید و خداوند نسبت به مؤمنان فضل و بخشش دارد.» (آل عمران: ۱۵۲)

۵۹)دوگانگی و تفرقه در برابر دشمن، یعنی شکست قطعی:

- «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دلهای

شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید، و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آنجا برگرفت (و نجات داد) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید هدایت شوید.» (آل عمران: ۱۰۳)

- «وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آنهم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید، و آنها عذاب عظیمی دارند.» (آل عمران: ۱۰۳)
- «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمائید و نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود و استقامت نمائید که خداوند با استقامت کنندگان است.» (انفال: ۴۶)

۶۰)اگر جهاد نظامی نمی توانید، جهاد مالی کنید:

- «لكِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أُولئِكَ لَهُمُ الْخَيْراتُ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ولی پیامبر(ص) و آنها که با او ایمان آوردند با اموال و جانهایشان به جهاد پرداختند و همه نیکی‌ها برای آنهاست و آنها رستگارانند.» (توبه: ۸۸)
- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده، و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند.» (حجرات: ۱۵)

۶۱)در نبرد، از «دعا» غافل نشوید:

- «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُرْدِفِينَ ؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان تقاضای کمک می‌کردید و او تقاضای شما را پذیرفت (و گفت) من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم.» (انفال: ۹)

۶۲)ممکن است هدفشان از پیشنهاد صلح، فریب باشد:

- «وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ؛ و اگر بخواهند(با پیشنهاد صلح) تو را فریب دهند، (تسبیم آنان نشو، زیرا)خداوند برای تو کافی است؛ (چراکه) او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید. (انفال: ۶۲-۶۱)

۶۳) آنان به هیچ قرارداد و پیمانی پایبند نیستند:

- «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً؛ چگونه (پیمان دشمنان ارزش دارد) در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند و نه پیمان را.» (توبه: ۸)
- «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ عاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لا يَتَّقُونَ؛ بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که راه کفر پیش گرفتند و ایمان نمی‌آورند. * کسانی که با آنها پیمان بستی، سپس هر بار عهد خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند.» (انفال: ۵۶-۵۵)
- «فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ؛ پس تا زمانیکه (دشمنان) با شما [بر سر عهد و پیمان] پایدارند، (شما نیز) با آنان پایدار باشید.» (توبه: ۷)
- «فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَيْمانَ لَهُمْ؛ پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست (به هیچ پیمانی پایبند نیستند).» (توبه: ۱۲)
- «أَلا تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ چرا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند و تصمیم به اخراج پیامبر(ص) گرفتند پیکار نمی‌کنید؟ در حالی که آنان نخستین بار (دشمنی و پیکار با شما را) آغاز کردند. آیا از آنان می‌ترسید؟ با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید. (توبه: ۱۳)
- «وَإِمَّا تَخافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلى سَواءٍ إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْخائِنِينَ؛ و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را بشکنند و غافلگیرانه به شما حمله کنند)، آن پیمان نامه را به سوی آنان بینداز و بطور عادلانه به آنها اعلام کن (که پیمانشان لغو شده است)؛ زیرا خداوند خائنان را دوست نمی‌دارد.». (انفال: ۵۸)[۱]

---

۱. بخاطر همین ویژگی دشمنان است که امام امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر توصیه می کنند: «وَ لَا تَعْقِدْ عَقْداً تُجَوِّزُ فِيهِ الْعِلَلَ؛ هرگز پیمانی با دشمن منعقد نکن که در تعبیرات آن، راه تأویل (و بهانه جوئی دشمن) باز باشد.» (نهج البلاغه؛ نامه ۵۳)


شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
۱۳۵۹